

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل				
تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی	ویرایش دوم	ذکر مآخذ	تصحیح و ویرایش اولیه	پیاده‌سازی

بهره‌ی ما از محرّم و صفر

ماه محرّم طی شد. ماه صفر هم دارد طی می‌شود. به خودمان برگردیم؛ کمی فکر کنیم؛ بنیم توشه‌ای که از این دو ماه می‌گیریم، چیست؟ قبل از ماه محرّم چه کسی بودیم؟ و در مکتب محرّم و صفر چه تحوّلی در ما اتفاق افتاد؟ وقایع را نقل کردن، مصائب را یادآوری کردن، اشک ماتم بر دیدگان جاری کردن، همه‌ی اینها بسیار زیبا و ارزشمند است؛ اما همان‌طور که بارها خدمت عزیزان گفته شد، همه‌ی اینها مکتبی است که باید از ما انسان متعالی و حسینی بسازد. زن ما باید الگوی خود را زینب کبری علیها السلام، ام‌کلثوم علیها السلام، فاطمه‌بنت‌الحسین علیها السلام، ام‌البنین علیها السلام، همسران اباعبدالله‌الحسین سلام‌الله‌علیهم قرار دهد. در این محرّم و صفر چقدر مثل آنها شدیم؟ مردان ما باید الگوی خودشان را اباعبدالله علیها السلام قرار دهند؛ علی‌اکبر علیها السلام قرار دهند؛ قاسم‌بن‌الحسن علیها السلام قرار دهند؛ اصحاب و یاران بزرگوار اباعبدالله علیها السلام قرار دهند. در مدرسه‌ی محرّم و صفر واقعاً چقدر تغییر کردیم؟ به خودمان برگردیم. محرّم و صفر نیامد که فقط مقداری ابراز حُزن و اندوه کنیم و اشک بریزیم. چقدر روحیه‌ی حسینی پیدا کردیم؟ چقدر روحیه‌ی زینبی پیدا کردیم؟ عزیزان! آل‌الله با آن وضع اسیرند؛ با آن داغ‌های سنگینی که در کربلا بر آنها وارد شده است؛ و با این فشار و مشقّت عجیبی که در سفر اسارت روی دوششان است؛ ببینید چقدر عزّتمندانه می‌ایستند! چگونه بر سر ستمگران پرخاش می‌کنند!

نکند به اسم عرفان و معنویت و ولایت و محبت اهل بیت علیهم السلام، سر در لاک خودمان فرو بریم و از همه‌ی واقعیت‌ها بی‌خبر و بی‌تفاوت بمانیم. بارها و بارها گفته‌ایم؛ عاشورا یک مکتب است و می‌خواهد شاگرد بیرویراند. چقدر روحیه‌ی حسینی داریم؟ چقدر روحیه‌ی زینبی داریم؟ چقدر در برابر انحراف و فساد و ظلم و ستمی که در محیط خودمان می‌بینیم، برمی‌آشوبیم؟ می‌خروشیم؟ برمی‌خیزیم؟ راه می‌افتیم؟ این نگرانی برای من به صورت جدی وجود دارد که عرفان و معنویت‌گرایی یک گریزگاه باشد، یک مخفیگاه باشد که ما برای فرار از ایفای مسئولیت‌ها، خودمان را پشت آن پنهان کنیم. باید بدانیم که مسئولیم. مسئولیت‌هایمان هم خیلی روشن و شفاف است. از کوچک‌ترین محیط که محیط خانواده‌مان است، این مسئولیت بر دوش ماست؛ تا محیط تحصیلمان و ... اکثر عزیزان ما، دوستان دانشجوی هستند؛ شما در دانشگاهی که هستید، چقدر حساسید؟ چقدر در برابر آلودگی‌ها، فسادها، انحراف‌ها، رفتارهای غیراسلامی، مدیریت فاسد برمی‌آشوبید؟ یا این که سرتان را در لاک خودتان فروبرده‌اید؟

در واقعه‌ی عاشورا، سه گروه می‌بینیم. یک گروه اباعبدالله علیه السلام و یاران و اهل بیتشان هستند. گروه دیگر عمر سعد و لشکریانش است. گروه سوم کسانی‌اند که به اسم معنویت و عبادت فرار کردند. روزی که اباعبدالله علیه السلام به سمت کربلا حرکت کردند؛ آنها حرکت کردند که به مینا و عرفات و مشعر و مزدلفه بروند؛ و بعد از آن به مکه بازگردند و دور کعبه طواف کنند و بین صفا و مروه سعی کنند. عبادت و معنویت را مخفی‌گاهی انتخاب کردند تا خودشان را مخفی کنند؛ که به کربلا نیایند و خطر نکنند. نکند معنویت و عرفان برای ما گریزگاه شود! نکند به اسم این که علاقه‌مندی‌های معنوی و عرفانی داریم، سرمان را در لاک خودمان فرو کرده باشیم و مشغول ذکر گفتن‌ها و حالات شخصی خودمان باشیم و نسبت به محیط و جامعه‌ی خودمان، حساسیتی نداشته باشیم.

محرم و صفر باید در ما تغییر ایجاد کند. این اشک‌ها باید ما را متحوّل کند. باید به وجود ما رنگ اباعبدالله-الحسین علیه السلام و زینب کبری علیها السلام را بزند. باید عزت نفس و شجاعت را در ما ایجاد کند. در این چند جلسه که

خطبه‌های کوفه را برایتان خواندم؛ دیدید چگونه با شهادت و دلیری، ام‌کلثوم علیها السلام سخنرانی کردند؛ زینب کبری علیها السلام سخنرانی کردند؛ فاطمه‌ی بنت‌الحسین علیها السلام سخنرانی کردند؛ امام سجّاد علیه السلام سخنرانی کردند. در کوفه، آن شهادت و عزّت و پرخاشگری؛ این هم صحنه‌ی مجلس یزید. ببینیم چقدر رنگ امام حسین علیه السلام گرفتیم؟ نکند سرمان را پایین انداختیم؛ به اسم دیانت و معنویت، از ایفای مسئولیت‌ها فرار می‌کنیم. خیلی راحت‌تر است که انسان مشغول ذکر گفتن باشد و خلوت داشته باشد و دعا بخواند و چله‌نشینی کند. نه کسی به انسان بد و بیراه می‌گوید؛ نه کسی با انسان دشمن می‌شود؛ نه کسی به انسان ضربه می‌زند؛ نه با انسان برخورد تندی می‌کنند. اما آیا این راه شیعه‌ی اباعبدالله علیه السلام است؟ این را به عنوان یک امر جدّی عرض می‌کنم.

سلوک در مکتب عرفانی تشیّع، غیر سلوک سایر مکاتب است. این تعبیر را شاید سه، چهار سال پیش کرده‌ام؛ احتمالاً در همین سی‌دی‌ها هم باید باشد؛ عرض کردم درویشان در خانقاه سماع می‌کنند. اما سماع شیعه‌ی عارف مکتب علوی و حسینی در میدان کربلاست؛ در میدان نبرد رقص عاشقانه با شمشیر می‌کند؛ نه اینکه در گنج خانقاه رقص درویشی کند. خیلی حسّاس و ظریف است؛ مرز بین حق و باطل بسیار دقیق و ظریف است.

کتاب سرّ حق را که این همه تأکید، خواهش و اصرار کردم عزیزان با دقّت بخوانید، فقط خواندنش منظور نبود. در فصل سوم کتاب که لغزشگاه‌های مسیر سلوک است، نکته‌های ظریف و دقیقی است. یکی از لغزشگاه‌ها، همین است که الآن دارم راجع به آن بحث می‌کنم. عرفان شیعی، عرفان علوی و حسینی علیه السلام است. امیرالمؤمنین علیه السلام که قُطْبُ العارِفین است؛ امیرالمؤمنینی است که شیر بیشه‌ی شجاعت است؛ «أَسَدُ اللَّهِ الْغَالِبِ»^۱ است. عرفان علوی، غیر عرفان تَبَّت، عرفان هند، عرفان چین، عرفان امریکای لاتین و امثال این

^۱ مجلسی، بحار، ج ۳۴، ص ۲۶۸ و زادالمعاد، ص ۳۹۹ و بحرانی، مدینه‌ی معجز، ج ۳، ص ۲۹۵.

عرفان‌هاست؛ حتی غیر از عرفان صوفیه‌ی اهل سنت است. عرفان علوی، عرفان دیگری است. بی‌تفاوتی و سکوت و بی‌عملی و سر در لاک خود فرو بردن با مکتب عرفانی امیرالمؤمنین و اباعبدالله‌الحسین علیه السلام هیچ سازگاری ندارد. خودمان را گول نزنیم. به تعبیر امیرالمؤمنین علیه السلام خدا که گول نمی‌خورد. در نهج البلاغه هست که حضرت فرمودند: «لَا يُجَدِّعُ اللَّهُ عَنْ جَنَّتِهِ وَ لَا تَنَالُ مَرْضَاتُهُ إِلَّا بِطَاعَتِهِ»^۲ خداوند در مورد بهشت خود، از کسی گول نخواهد خورد؛ و جز با طاعت از فرمان خدا، نمی‌شود به رضایت الهی رسید. خدا که گول نمی‌خورد؛ خودمان را گول نزنیم. به تعبیر قرآن «يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ مَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ»^۳ خدا که گول نمی‌خورد؛ فقط گاهی اوقات خودمان را گول می‌زنیم. امیدواریم خودمان را گول نزنیم. هر کس در هر محیط که هست بداند «كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورَاءُ وَ كُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَاءُ»؛ همه‌ی عصرها عاشوراست و همه‌ی عرصه‌ها کربلاست. در هر عرصه هستید، آن عرصه کربلای شماست. در هر عصر که هستید، آن عصر عاشورای شماست. شما هم حسینی رفتار کنید. امیدواریم خدا به همه‌ی ما این توفیق را بدهد. صلواتی ختم بفرمایید.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

^۲. شریف‌رضی، نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۱۲۹، ص ۱۸۸ و مجلسی، بحار، ج ۳۴، ص ۸۹ و لیشی‌واسطی، عیون‌الحکم، ص ۵۱۲.

^۳. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۹.